

کاوشی در آمار نامه‌های کوفیان در دعوت از امام حسین (علیه السلام)

حسین قاضی خانی^۱

چکیده

دعوت کوفیان از امام حسین (ع) برای آمدن به کوفه یکی از مقاطع حساس حرکت امام حسین (ع) می‌باشد. آگاهی از نامه‌های ارسالی کوفیان برای امام حسین (ع) از جمله مسائل تأثیرگذار بر تحلیل چگونگی مواجهه امام (ع) با دعوت کوفیان می‌باشد. مسئله‌ای که در آثار نگارش یافته در مورد حرکت امام حسین (ع) علی‌رغم ارائه ارقام متفاوت از نامه‌های کوفیان به حضرت (ع)، بیشتر به اجمال از آن گذر می‌شود. در این نوشتار تلاش بر آن بوده است تا با کاوشی در گزارش‌های متون کهن تاریخی و استقراء داده‌های مرتبط با دعوت کوفیان از امام حسین (ع)، با بررسی این داده‌ها آماری مبتنی بر تحقیق از تعداد نامه‌های کوفیان ارائه گردد. همچنین ضمن این بررسی از سیر نگارش نامه‌ها و توجه به متن و نگارندگان نامه‌ها در راستای فرا چنگ آوردن آمار غفلت نشده است. در بررسی گزارش‌های متون کهن، آمار نامه‌های کوفیان به امام حسین (ع) از پنجاه و چند نامه فراتر نمی‌رود. نامه‌هایی که برخی از آن‌ها از جانب چند نفر بوده‌اند.

واژگان کلیدی

امام حسین (ع)، نامه، کوفه، شیعیان، کربلا، قیام.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی Hu.ghazy@gmail.com

مقدمه

مسئله‌ی قیام امام حسین (ع) با کوفه دارای چنان پیوندی است که در راستای شناخت حرکت امام (ع) ناگزیر باید جوانب مختلف این پیوند مورد مذاقه قرار گیرد. دعوت کوفیان از امام حسین (ع) برای رفتن به شهر کوفه یکی از مسائل مهم این امر است که در آثار فراوانی با رویکردهای مختلف به آن توجه شده است. باید توجه داشت نامه‌های کوفیان در قیام امام حسین (ع) مسئله‌ای نیست که بتوان با ارائه گزارش‌های اجمالی آن‌چنان‌که در بسیاری از نگاشته مشاهده می‌گردد از آن‌ها عبور کرد زیرا تحلیل بسیاری از مسائل این قیام مانند علت و چرایی دعوت کوفیان از امام (ع) و چگونگی مواجهه امام (ع) با دعوت کوفیان و سرانجام چرایی حرکت امام حسین (ع) به‌جانب عراق در گرو بررسی این نامه‌هاست. این‌که چه تعداد نامه، از سوی چه کسانی و با چه متنی برای امام ارسال شده باشد ضمن این‌که شناخت بهتری از فضای کوفه در ماجرای حرکت امام حسین (ع) در اختیار قرار می‌دهد می‌تواند به فهم بهتر چگونگی تعامل امام حسین (ع) با دعوت کوفیان نیز کمک نماید. از آنجاکه داده‌های مرتبط با دعوت کوفیان از امام حسین (ع) در منابع کهن پراکنده است لذا شایسته می‌نماید با استقراء و بررسی این گزارش‌ها در منابعی که به این مسئله پرداخته‌اند شناخت مناسبی از آمار نامه‌ها، نام و نشان نگارندگان و مراحل نامه‌نگاری‌ها فراروی محققان تاریخ کربلا قرار داد تا با تحلیل این اطلاعات، فهم کامل‌تری از جایگاه کوفه در قیام امام حسین (ع) حاصل آید.

تذکر این نکته لازم است که بازنمایی یک واقعه تاریخی امری نیست که به آسانی میسر گردد زیرا به دلیل فقدان حضور نقش‌آفرینان و شاهدان واقعه تکیه بر گزارش‌ها محور اصلی بازنمایی خواهد بود و گزارش‌ها را آسیب‌هایی تهدید می‌کنند که هرکدام از این آسیب‌ها برای خدشه وارد کردن بر اعتبار گزارشی به‌تنهایی کافی هستند.

همچنین بحث ارائه‌ی آمار و ارقام در تاریخ یکی از بزنگاه‌های آسیب گزارش‌هاست؛ زیرا اگر بتوان با اتکا به شواهدی از امکان آمار دهی درست اولیه در جوانب واقعه اطمینان حاصل کرد اما اموری مانند عدم توجه صحیح به آمار، امکان تصحیف فراوان در نگارش رقم‌ها، حب و بغض‌های گزارشگران و اموری این‌چنینی به‌شدت اعتماد بر آمار را در تاریخ بااحتیاط همراه می‌سازد. به‌رسم مثال می‌توان به برخی آمارهای کشتگان نبرد بنی‌قریظه و صفین اشاره کرد که دقت در اموری مانند شرایط جغرافیایی حادثه، تعداد کل افراد حاضر در واقعه، توجه به پیامدهای اجتماعی اعتماد بر گزارش این آمارها را سست می‌سازد. (صادقی، ۱۸۷-۱۸۴) در مقاله «بررسی

جمعیت حاضر در غدیر» می‌توان نمونه‌ای از چگونگی کاوش در آمارهای تاریخی را نظاره‌گر بود. (امام، ۴۲) اما به هر روی ورود به این نوع مباحث به دلیل جایگاه آن در تحلیل وقایع کربلا امری است که نیاز به کاوش در آن دوچندان جلوه می‌نماید.

خبر امتناع امام حسین (ع) از بیعت با یزید و بیرون آمدن حضرتش از مدینه و سکنی گرفتن امام (ع) در مکه، در دل کوفیان که مدت‌ها تحت ظلم کارگزاران بنی‌امیه روزگار به سر برده بودند چنان نور امیدی پدید آورد که با دعوت از امام حسین (ع) خواستار آمدن امام (ع) به کوفه شدند. دینوری از آغازین شور پدید آمده در میان کوفیان در این مسئله به‌جمال چنین گزارش می‌کند که چون خبر مرگ معاویه و خارج شدن امام حسین (ع) به مکه، به کوفیان رسید، گروهی از شیعیان در منزل سلیمان بن صرد اجتماع کردند و توافق کردند نامه‌ای برای امام حسین (ع) بنویسند و از او بخواهند به‌سوی ایشان بیاید. (دینوری، ۲۲۹) طبری و شیخ مفید با متنی واحد که برگرفته از منبعی مشترک است تفصیل بیشتری از این واقعه در اختیار می‌نهد. آنجا که آورده‌اند: چون خبر هلاکت معاویه به مردم کوفه رسید و از ماجرای عدم بیعت امام (ع) و خروجش به مکه، آگاهی یافتند، شیعیان در منزل سلیمان بن صرد خزاعی گرد آمدند و از مرگ معاویه سخن گفتند. سلیمان زمام سخن را به دست گرفت و گفت: «به‌راستی که معاویه به هلاکت رسید و امام حسین (ع) از بیعت با آنان خودداری کرده است و به‌جانب مکه رهسپار شده است. اگر در خود می‌بینید که او را یاری دهید و با دشمنانش نبرد کنید، برایش نامه بنویسید و اگر بیم دارید که سست و پراکنده شوید، او را به خود امیدوار نسازید». (طبری ۳۵۱/۵ و مفید ۳۶/۲)

آنگاه چون اهل مجلس به یاری امام حسین (ع) بانگ برآوردند و از فدا کردن جان خود گفتند بنا شد با نگارش نامه، حضرتش را به کوفه دعوت کنند لذا در همان مجلس نامه‌ای نگارش یافت که در طلیعه‌ی آن چنین نوشته شد: «بسم الله الرحمن الرحيم، به حسین بن علی (ع)، از جانب سلیمان بن صرد، مسیب بن نجبه، رفاعه بن شداد، حبیب بن مظاهر و شیعیان او از مؤمنان و مسلمانان کوفه» و به‌جانب امام حسین (ع) ارسال شد. (طبری ۳۵۲/۵) به فاصله‌ی کوتاه چندروزه نامه‌های بسیار دیگری نوشته و به‌سوی امام (ع) روانه شد. (همان) به‌گونه‌ای که دینوری از خورجین نامه‌ها سخن می‌گوید (دینوری، ۲۲۹) و یعقوبی فضای رسیدن نامه‌های اهل عراق را این‌گونه ترسیم کرده است که پیک‌ها پشت سر هم به‌جانب امام حسین (ع) روانه بودند. (یعقوبی ۲۴۱/۲) درحالی‌که عموم منابع تنها از تعداد نامه‌ها و چگونگی ارسال آن‌ها سخن می‌گویند ابن‌اعثم و به‌تبع خوارزمی به این نکته هم اشاره دارند که در مجلس منزل سلیمان، قرار

شد به نامه‌ای عمومی اکتفا نشود و شیعیان نامه‌هایی جداگانه به‌جانب امام (ع) ارسال دارند. (ابن اعثم ۲۷/۵ و خوارزمی ۲۸۱/۱).

آمار نامه‌ها در منابع متأخر

در منابع متأخر در آثاری مانند مقتل الحسین (ع) به خامه‌ی محمدتقی آل بحر العلوم، (بحر العلوم، ۱۵۲) اعیان الشیعه به قلم سیدمحسن امین (اعیان الشیعه ۵۸۹/۱)، منتهی الآمال نگارش شیخ عباس قمی (منتهی الامال ۵۱۷/۲)، مقتل الحسین (ع) اثر عبدالرزاق مقرر (مقرر، ۱۴۴) و ریاض الابرار نگاشته‌ی جزایری (جزایری، ۲۰۸/۱) از دوازده هزار نامه‌ی کوفیان به امام حسین (ع) سخن به میان آمده است.

با بررسی بیشتر می‌توان رد این نقل را در مثیر الاحزان اثر ابن‌نمای حلی (ابن‌نما، ۲۲۶) و سرانجام کتاب «اللّهوف علی قتلی الطفوف» (ابن طاووس، ۳۵) جست اما پرسش اینجاست که آیا در منابع کهن اولیه هم به این آمار اشاره شده است؟ یا حداقل می‌توان شواهدی بر تقویت و پذیرش این آمار یافت؟

عدم تصریح منابع کهن به آمار نهایی نامه‌ها: در راستای دست‌یازیدن به پاسخ این سؤال، در تتبع منابع کهن اولیه به‌جز کتاب المصابیح (کتابی از زیدیان) که از نامه‌های کوفیان با عدد تقریبی هشتصد مکتوب یاد کرده است، (احمدابراهیم، ۳۶۱) در دیگر منابع آماری از تعداد نامه‌ها یافت نمی‌گردد و از رقم جمع آن‌ها سخنی به میان نیست.

البته دینوری در دو بحث از فراوانی نامه‌ها به‌اندازه خورجینی یاد نموده است. اول‌بار به هنگام سخن گفتن از رسیدن نامه‌های کوفیان در مکه به دست امام حسین (ع) (دینوری، ۲۲۹) و دیگر بار در مواجهه امام (ع) با لشگریان حر هنگامی که حضرت (ع) از آمدن خود به‌جانب کوفه به سبب نامه‌های کوفیان سخن گفت و چون حر نسبت به نامه‌ها اظهار بی‌اطلاعی کرد امام (ع) خواست تا خورجین نامه‌ها را به حر نشان دهند. (همان) ماجرای نشان دادن خورجین نامه به حر و سپاهیان را بلاذری، طبری و ابن‌اعثم نیز گزارش نموده‌اند. همچنین ابن‌عبدربه نیز در گزارشی از دیدار امام حسین (ع) و ابن‌مطیع (ابن‌عبدربه، ۳۷۶/۴) به فراوانی نامه‌ها اشاره کرده است؛ اما باید دانست از فراوانی نامه‌ها به‌اندازه‌ی خورجینی نمی‌توان آماری از تعداد آن‌ها استخراج کرد زیرا علاوه بر آن که از حجم خورجین نامه‌ها اطلاعی در دست نیست همچنین نمی‌توان مشخص ساخت که مکتوبات کوفیان بر چه چیزی بوده است و هر نامه چه حجمی

داشته است. البته این اطلاعات می‌توانند مستندی بر فراوانی نامه‌ها باشند.

بررسی سیر نامه‌ها و تعداد آن‌ها بر اساس گزارش‌های منابع کهن: مبحث دیگری که می‌توان از نامه‌ها و تعدادشان در منابع کهن اولیه و به تبع آمار نامه‌ها سراغ گرفت بحث گزارش نامه‌های کوفیان به امام (ع) است. منابع از دو دیدگاه این امر را گزارش کرده‌اند. دسته‌ای نامه‌ها را با نگاه ارسال آن‌ها از جانب کوفیان نقل کرده‌اند و دسته‌ی دیگر با نگاه زمان رسیدن نامه‌ها به امام (ع) بدان‌ها توجه داشته‌اند که در هر دو صورت تفاوتی در اصل مسئله پدید نیامده و هر دودسته ناظر به یک مسئله سخن می‌گویند.

بر اساس گزارش‌های متون کهن سیر نگارش و ارسال نامه‌های کوفیان به‌جانب امام حسین (ع) را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

۱. نخستین نامه‌ها

نامه‌ی نخست در پی اجتماع شیعیان در منزل سلیمان بن صرد پس از سخن‌رانی وی و هم‌عهدی شیعیان بر یاری امام حسین (ع) در همان مجلس نگارش می‌یابد. همان‌گونه که در سطرهای پیشین گذشت این اولین نامه‌ای بود که از جانب کوفه به سوی امام (ع) روانه شد. منابعی که به متن این نامه پرداخته‌اند در محتوای متن آن چنین نگاشته‌اند: «درود بر شما، همانا ما خداوند یگانه را حمد می‌گوییم؛ اما بعد، ستایش خدایی را که دشمن جبار و سرکش تو را در هم شکست؛ دشمنی که در بدی کردن بر این امت، شتاب کرد و زمام امور را به‌زور به دست گرفت، ثروت‌های عمومی را غصب کرد و بدون رضایت امت بر آنان حکومت کرد. آنگاه بهترین‌های امت را به شهادت رسانید و اشرار را رها کرد و ثروت الهی را میان ثروتمندان و زورداران قسمت کرد. از رحمت خداوند دور باد چنان‌که ثمود دور شدند! اینک ما پیشوایی نداریم. به‌سوی ما روی آور. امید است که خداوند ما را به‌واسطه شما بر محور حقیقت گرد آورد. نعمان‌بن بشیر، در قصر حکومتی است ولی ما در نماز جمعه و مراسم عید او حاضر نمی‌شویم. اگر به ما خبر رسد که شما به سمت ما می‌آیید، او را از قصر بیرون می‌کنیم تا به شام رود. درود و سلام خدا بر شما باد».

ابن قتیبه در الامامه و السیاسة، (ابن قتیبه، ۸/۲) بلاذری در انساب الاشراف، (بلاذری، ۱۵۷/۳) طبری در کتاب تاریخ خود، (طبری، ۳۵۲/۵) شیخ مفید در الارشاد، (مفید، ۳۷/۲) ابن شهر آشوب در المناقب (ابن شهر آشوب، ۸۹/۴) و سید بن طاووس در اللهوف (ابن طاووس، ۳۴-۳۵) همگی بر این

محتوا برای این نامه هم‌داستان می‌باشند. علاوه بر این‌ها باید از ابن‌اعثم یاد کرد که متن ذکر شده را با اندک جابجایی واژگانی و اضافه داشتن فرازهایی چنین آورده است: «اما بعد، ستایش خدایی را که دشمن تو و دشمن پدرت را در هم شکست؛ آن جبار سرکش غاصب ستمگر را که این امت را نابود و پراکنده ساخت و بدون رضایتشان بر آنان حکومت کرد. آنگاه نیکان امت را کشت و اشرار را باقی گذارد. از رحمت خداوند دور باد چنان‌که ثمود دور شدند! به ما خبر رسیده که فرزند ملعون او، بدون مشورت و اجماع امت و با ناآگاهی از حدیث‌ها به حکومت نشسته است. ما به همراه شما نبرد می‌کنیم و جانمان را در راه شما فدا می‌سازیم. به سمت ما بیا، با سرور و شادمانی، در امنیت و برکت، استوار و آقا، فرمانده فرمان‌بردار، امام و پیشوای هدایت پیشه؛ چراکه ما را امام و امیری جز نعمان بن بشیر نیست او در قصر حکومتی تنها و منزوی است. کسی در نماز جمعه و مراسم عید او حاضر نمی‌شود و خراج به وی نمی‌پردازد. او فرا می‌خواند ولی کسی جوابش نمی‌دهد. فرمان می‌دهد ولی کسی اطاعتش نمی‌کند. اگر به ما خبر رسد که شما به سمت ما می‌آیی، او را بیرون می‌کنیم تا روانه شام شود. پس به سوی ما بشتاب. امید است خداوند ما را به واسطه‌ی شما بر محور حق جمع گرداند. سلام و رحمت و برکت خدا بر تو ای پسر رسول خدا (ص) و نیرویی جز از جانب خداوند برتر و بزرگ نیست». (ابن اعثم، ۲۸/۵) و به تبع، خوارزمی نیز در مقتل الحسین (ع) متن ابن‌اعثم را باز نگاری کرده است. (خوارزمی، ۲۸۲/۱)

علاوه بر هم‌داستانی بر متن در نام نگارندگان نامه نیز اتفاق نظر وجود دارد. نام سلیمان بن صرد، مسیب بن نجبه، رفاعه بن شداد و حبیب بن مظاهر به عنوان سران شیعی کوفه در کنار عنوان کلی «گروهی از شیعیان امام» در تمامی گزارش‌ها ذکر شده است (بالذری، ۲۵۷/۳ و طبری، ۳۵۲/۵ و مفید، ۳۷/۲) با این تفاوت که در برخی متون علاوه بر این افراد نام عبدالله بن وال نیز دیده می‌شود. (ابن اعثم، ۲۷/۵ و ابن طاووس، ۳۳)

این نامه به دست عبدالله بن سبیع (سبع) همدانی و عبدالله بن وال (دینوری، ۲۲۹ و ابن اعثم، ۲۸/۵) تیمی سپرده شد تا به سرعت نامه را به امام (ع) برسانند و این دو، ده روز گذشته از رمضان سال ۶۰ هجری در مکه بر امام (ع) وارد شدند و نامه را تسلیم داشتند. (بالذری، ۱۵۸/۳ و دینوری، ۲۲۹ و طبری، ۳۵۲/۵)

شایان ذکر است در گزارش‌های موجود اشاره‌ای به تعداد شیعیانی که تحت عنوان کلی «شیعیان امام» یاد شده‌اند و یا احتمالاً نامه را مهر نموده باشند دیده نمی‌شود و لذا امکان به دست آوردن تعداد دعوت‌کنندگان یا احتمالاً مهر زندگان این نامه هم منتفی است. خاصه آن‌که

در گزارش جلسه‌ی منزل سلیمان نیز آماری از شرکت‌کنندگان ارائه نشده است تا با کمک آن بتوان به آمار نگارندگان نامه نزدیک شد.

از آنجاکه منابع بر این نکته تأکید دارند که نامه از سوی سران شیعه برای دعوت از امام حسین (ع) نگارش یافته بود و در متن خود نامه نیز عنوان شیعیان امام (ع) قید شده است لذا شکی نخواهد بود که نگارندگان اولین نامه در زمره‌ی شیعیان بوده‌اند.

نکته قابل‌توجه در مورد این نامه علاوه بر نمود بیشتر آن نسبت به دیگر نامه‌ها و جایگاه نگارندگان آن در کوفه، محتوای آن است که ضمن صحنه نهادن بر اعتقادات شیعی نویسنده‌گان نامه نمایی از وضعیت شیعیان را نیز در کوفه ترسیم کرده است.

۲. دومین نامه‌ها

آمده است اهل کوفه پس از رهسپار کردن قاصدان نامه‌ی اول دو روز صبر کردند و سپس نامه‌هایی را به همراه قیس بن مسهر صیداوی و عبدالرحمن بن عبدالله ارحبی و عماره بن عبد (عبید) سلولی به جانب امام حسین (ع) ارسال داشتند درحالی که هر نامه از جانب یک تا چهار نفر بود. (بلاذری، ۱۵۸/۳ و طبری، ۳۵۲/۵)

به نظر می‌رسد نگارش این سری از نامه‌ها بنا به سفارش سلیمان بن صرد بوده باشد که در جمع شیعیان در منزلش در پی نگارش اولین نامه‌ی جمعی شیعیان به امام حسین (ع) از شیعیان درخواست کرد تا به همین نامه بسنده نکنند و با نامه‌های جداگانه‌ی دیگری امام حسین (ع) را به کوفه دعوت کنند. (ابن اعثم، ۲۷/۵ و خوارزمی، ۲۸۱/۱) پیک‌های حامل این نامه‌ها پس از رسیدن نامه‌ی اول در دهم رمضان سال ۶۰ هجری در مکه به دست امام (ع) درحالی که روز دهم هنوز به پایان نرسیده بود، به حضور امام (ع) شرفیاب شدند و نامه‌ها را به حضرتش تحویل دادند. (دینوری، ۲۲۹ و ابن اعثم، ۲۹/۵)

درحالی که بلاذری و دینوری تعداد نامه‌های ارسالی توسط این چند نفر را پنجاه نامه دانسته‌اند (بلاذری، ۱۵۸/۳ و طبری از پنجاه و سه نامه یاد کرده است، طبری، ۳۵۲/۵) ابن اعثم، مفید، ابن شهر آشوب و سید بن طاووس از حدود صد و پنجاه نامه سخن به میان آورده‌اند. (ابن اعثم، ۲۹/۵ و مفید، ۳۷/۲)

از متن این نامه‌ها به دلیل تعددشان جز آن که طلب کرده بودند تا امام (ع) به جانب ایشان رود، (ابن اعثم، ۲۹/۵) اطلاعی دیگری در دست نیست. از نام و نشان نویسندگان نامه نیز سخنی

به میان نیامده است و آماری از تعداد دعوت‌کنندگان نیز ارائه نشده است تنها بیان شده که هر نامه از جانب یک، دو، سه و یا حداکثر چهار فرد بوده است و چون در تعداد نامه‌ها اختلاف است و سخنی از نسبت تعداد نامه‌ها و نفرات دعوت‌کننده در هر نامه به میان نیست نمی‌توان آمار نسبی از تعداد نگارندگان نامه‌ها به دست داد.

البته در این مسئله که چگونه می‌شود تعداد نامه‌ها از پنجاه یا پنجاه و اندی، به حدود یک‌صد و پنجاه نامه ارتقاء داده شود شاید بتوان مدعی شد عدد پنجاه یا پنجاه‌وپنچند، مربوط به تعداد نامه‌ها باشد و عدد حدود صد و پنجاه با تعداد دعوت‌کنندگان یا احتمالاً مهر کنندگان نامه‌ها در ارتباط باشد؛ زیرا همان‌گونه که در گزارش‌ها آمده است هر نامه از طرف یک الی چهار نفر بوده است و می‌توان احتمال داد در منابع نخستین که عدد پنجاه محور گزارش آن‌هاست توجه به عدد نامه‌ها بوده است و در منابع بعدی که از عددی حدود یک‌صد و پنجاه یاد گردیده است آمار تقریبی نویسندگان نامه‌ها با تعداد نامه‌ها خلط شده باشد.

هرچند در مورد نگارندگان این سری از نامه‌ها اطلاعاتی که نشان از باورهای دینی ایشان باشد در اختیار نیست اما با توجه به این احتمال که این سری نامه‌ها در پی درخواست سلیمان بن صرد به‌عنوان یکی از سران شیعه در کوفه نگارش یافته باشند و توجه به این مطلب که نامه‌ها به‌سرعت نگارش یافته و پیک‌ها بافاصله‌ی دو روز از ارسال اولین نامه گسیل شده باشند می‌توان مدعی شد که این سری نامه‌ها از سوی شیعیان برای امام حسین (ع) نگارش یافته باشند؛ زیرا این شیعیان بودند که اولین واکنش‌ها را به امتناع امام حسین (ع) از بیعت با یزید نشان داده و خواستار حضور حضرت (ع) در کوفه شدند. همچنین باید متذکر گردید پیک‌های حامل این نامه‌ها نیز در زمره‌ی شیعیان امام حسین (ع) شمرده شده‌اند. (بالاذری، ۱۵۹/۳-۱۶۷-۱۹۶)

۳. سومین نامه‌ها

۵۹

فردای رسیدن اولین نامه و سری دوم نامه‌ها، توسط هانی بن هانی سبعی و سعید بن عبدالله حنفی نامه‌ای دیگر به دست امام حسین (ع) رسید. (دینوری، ۲۳۹) در متن این نامه که ظاهراً دو روز پس از حرکت پیک‌های سری دوم نامه‌ها، آماده و به همراه دو پیک یاد شده به‌جانب امام (ع) گسیل شده بود چنین می‌بینیم: «بسم الله الرحمن الرحيم. به حسین بن علی (ع) از طرف شیعیانش از مؤمنان و مسلمانان؛ اما بعد به‌سوی ما بشتاب. به‌راستی که مردم انتظار شمارا می‌کشند و نظری به غیر شما ندارند. پس بشتاب، بشتاب. درود بر شما». (بالاذری، ۱۵۸/۳ و

مفید، ۳۸/۲)

در این میان تذکر دو نکته حائز اهمیت است. اول آن که دینوری از همراه بودن پنجاه نامه با این دو پیک سخن می گوید (دینوری، ۲۲۹) درحالی که دیگر گزارشگران چنین نقلی را ذکر نکرده (بلاذری، ۱۵۸/۳ و مفید، ۳۸/۲) و تنها همراه بودن یک نامه از محتوای گزارش های ایشان قابل فهم است. در بررسی شاید به قرینه ی نگارشی که از متن نامه شده است بتوان تنها وجود یک نامه را پذیرفت زیرا توجه به متن و گزارش محتوای نگاشته ها آن هم در گزارش های تاریخی، زمانی امکان منطقی می یابد که تعداد نامه ها انگشت شمار باشد؛ به عبارت دیگر وقتی محتوای یک نامه نمود می یابد که آن نامه منفرد و شناخته شده باشد و این که احتمال داده شود متن یک نامه که از سرشناسان بوده تنها ذکر شده و به ذکر آمار بقیه نامه ها بسنده شده باشد، شاهی بر آن نمی توان اقامه کرد. همچنین احتمال این که متن تمامی نامه ها یکسان بوده باشد و لذا متن آورده شده در گزارش، به عنوان متن تمامی نامه ها در نظر گرفته شود، نیز محتمل نمی نماید. البته بدان سبب که در گزارش ها به نگارش جمعی این نامه اشاره شده است اینکه سخن دینوری ناظر به تعداد ممهور کنندگان آن نامه باشد امری دور از ذهن نخواهد بود. دومین نکته آن است که متن نگارش یافته ی این نامه در الفتوح فرازهایی دیگر نیز دارد (ابن اعثم، ۲۹/۵) که به احتمال بسیار فراوان درهم آمیخته ای با متن نامه ای دیگر باشد که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

درحالی که یعقوبی، (یعقوبی، ۲۴۱/۲-۲۴۲) طبری، (طبری، ۲۵۲/۵) ابن اعثم (ابن اعثم، ۲۹/۵) و مفید (مفید، ۳۸/۲) از آخرین بودن این نامه در سری نامه هایی که کوفیان برای دعوت از امام (ع) به کوفه نگاشته شده بود خبر می دهند دینوری آخرین نامه ای را که در این مقطع زمانی به امام (ع) می رسد نامه ای از شَبَّث بن رِبعی و جمعی از سران کوفه معرفی می کند. (دینوری، ۲۲۹)

همان گونه که در متن نامه مشاهده شد نگارندگان این نامه در زمره ی شیعیان بوده و نامه نیز توسط قاصدان شیعی به سوی امام ارسال می گردد. (طبری، ۴۱۹/۵ و حلی، ۱۴۰۶، ۱۹۵/۱)

نامه ای از غیر شیعیان: در میان نامه های رسیده به امام حسین (ع) از جانب کوفیان در مکه، نامه ای از جانب شَبَّث بن رِبعی، حَجَّار بن أَبَجَر، یزید بن حارث، عروه (عزره) بن قیس، عمرو بن حجاج، قیس بن اشعث و محمد بن عمیر بن عطار مشاهده می گردد که در زمان رسیدن آن به دست امام (ع) و محتوای نامه اختلافاتی دیده می شود.

با این که دینوری، (دینوری، ۲۲۹) بلاذری، (بلاذری، ۱۵۸/۳) طبری (طبری، ۳۵۳/۵) و شیخ

مفید (مفید، ۳۸/۲) این نامه را جداگانه گزارش نموده‌اند و متن آن را چنین آورده‌اند که: آستانه‌ی شهر سرسبز است و میوه‌ها رسیده و آب‌ها فراوان‌اند. پس هرگاه اراده کردی بر لشکری آماده فرود آی. (بلاذری، ۱۵۸/۳ و مفید، ۳۸/۲) ابن‌اعثم و سید بن طاووس این متن را در ادامه‌ی متن نامه‌ی سوم گزارش نموده (ابن‌اعثم، ۲۹/۵) و ادامه داده‌اند که چون این نامه به امام حسین (ع) رسید و حضرتش از توافق کنندگان بر آن نامه پرسیدند، در پاسخ نام شبث، حجار و آن دیگران را شنیدند. (بلاذری، ۱۸۸/۳)

در بررسی جدا بودن این نامه از نامه‌ی سوم یا ادامه بودن متن ذکر شده برای نامه‌ی سوم، شواهدی چند نامه‌ی جداگانه بودن را تقویت می‌کند. نخست آن که در مطلع نامه‌ی سوم، نامه از جانب افرادی است که ادعای شیعه بودن دارند و خود را شیعه‌ی امام حسین (ع) می‌خوانند، درحالی که افرادی امثال شبث، حجاج و دیگر نام‌برندگان به‌عنوان نویسندگان این نامه در ردیف شیعیان معرفی نمی‌گردند. دوم آن که متن نامه‌ها نشان از نوع نگاه نویسندگان به امام (ع) دارد. در نامه‌ی اول از انتظار کشیدن و نظر نداشتن به فرد دیگری جز امام (ع) سخن به میان است درحالی که در نامه‌ی دوم نشانی از دل‌بستگی به امام (ع) و انتظار کشیدن قدمش دیده نمی‌شود. سوم آن که در روز عاشورا امام (ع) شبث و افراد مذکور را خطاب قرار می‌دهد که مگر شما برای من ننوشته بودید: میوه‌ها رسیده و همه‌جا سبز شده و جویبارها، پر و لبریز شده‌اند. بیا که بر لشکری مجهز و آراسته درمی‌آیی؟ (بلاذری، ۱۸۸/۳ و طبری، ۴/۵) این در حالی است که در این سخنان ذکری از متن نامه‌ی دوم نیست. چهارم آن که متن گزارش تلفیقی دو نامه در الفتوح و اللهوف به‌گونه‌ای ملهم این معنی است که گویا امام (ع) با دیدن این نامه و شنیدن این اسامی تصمیم به پاسخ‌گویی گرفت چراکه این دو منبع به هنگام گزارش رسیدن نامه‌های قبلی کوفیان بر آیند که امام (ع) تنها نامه‌ها را قرائت می‌کرد و پاسخی نمی‌داد. (ابن‌اعثم، ۲۹/۵) خاصه آن که گزارش ابن‌اعثم پاسخ‌دهی امام (ع) را تنها به خوابی که ایشان دیده بود مستند می‌سازد که باید در جای خود بررسی شود. این در حالی است که در منابع دیگر پاسخ‌گویی امام (ع) به نامه‌های کوفیان روال منطقی‌تری یافته است؛ و آن این که چون آورندگان نامه‌ها نزد امام (ع) در مکه مجتمع شدند و این بدان سبب بود که نامه‌ها در دو روز پیاپی به دست امام (ع) رسید، حضرتش از این پیک‌ها درباره‌ی مردم و خواسته‌هایشان سؤال کرد و سپس به نگارش نامه‌ای در جواب نامه‌های کوفیان اهتمام ورزید. (بلاذری، ۱۵۹/۳ و طبری، ۱۵۳/۵)

در انتها باید متذکر گردید به سبب شباهت نام آورنده‌ای که دینوری برای این نامه بیان

کرده است (دینوری، ۲۲۹) با نام آورندگان نامه‌ی سوم، خلط دو نامه یا همراه بودن این نامه با پیک‌های نامه‌ی سوم نباید از نظر دور داشته شود.

در میان نامه‌های رسیده به امام حسین (ع) از جانب کوفیان در مکه، نباید این نامه با نامه‌های پیشین هم‌ردیف انگاشته گردد زیرا تمامی نویسندگان این نامه در ردیف اشراف قبائل کوفه و از حامیان امویان بوده‌اند. (دینوری، ۲۲۹-۲۲۸ و بلاذری، ۱۷۸/۳)

۴. نامه‌هایی دیگر

نامه‌هایی که تاکنون ذکر شد بدان سبب که از نویسندگان، متن نامه یا آورندگان نام و نشانی سراغ است بیشتر جلب توجه نموده‌اند و لذا در منابع نمود بارزتری یافته‌اند این در حالی است که می‌توان در منابع شواهدی بر وجود نامه‌هایی دیگر نیز یافت اما چون بسان نامه‌های قبلی نشان‌های شاخصی برای معرفی ندارند از نگاه‌ها به دور مانده‌اند.

یکی از این نامه‌ها نامه‌ای است که بلاذری، طبری و شیخ مفید بدان اشاره داشته و گفته شده است در آن کوفیان به امام (ع) نوشتند که ما با شما هستیم و همراه ما صد هزار شمشیر است (بلاذری، ۲۲۴/۳) با این تفاوت که از گزارش بلاذری و طبری نگارش این نامه قبل از فرستاده شدن مسلم به سوی کوفه برداشت می‌شود (همان) درحالی‌که شیخ مفید نگارش این نامه توسط کوفیان را به دوران حضور مسلم در کوفه و بیست و هفت روز قبل از شهادت او دانسته است. علاوه بر این شیخ مفید همراه فرستادن این نامه را با نامه‌ی مسلم به سوی امام (ع) گزارش می‌کند و متن نامه را هم‌چنین آورده است که: «همانا اینجا برای تو صد هزار شمشیر است پس تأخیر مکن». (مفید، ۷۱/۲)

طبری در گزارشی حکایت گونه از عمار بن معاویه دهنی (سمعانی، ۴۲۷/۵) به هنگامی که درخواست کرده بود چگونگی رخ دادن واقعه‌ی کربلا را برایش توضیح دهند می‌نگارد: پیک‌های اهل کوفه به نزد حسین (ع) رسید که: «ما برای تو خودمان را نگاه داشته‌ایم و همراه والی نماز نمی‌گزاریم، پس بر ما قدم گذار». (طبری، ۳۴۷/۵) گزارشی که در قرون بعدی توسط ابن جوزی (ابن جوزی، ۳۲۷/۵) و عسقلانی (ابن حجر، ۶۹/۲) باز نگاری شده است. اگر پذیرفته شود که این متن برداشت راوی نبوده و به متن نامه اشاره گردیده است می‌توان این متن را نیز به‌عنوان متن نامه‌ای دیگر در نظر گرفت.

شایان ذکر است سبط ابن جوزی از واقده نقلی چنین دارد که: چون امام حسین (ع) در مکه

مستقر شد و مردم کوفه اطلاع یافتند نامه‌هایی به او نوشتند که ما برای تو خودمان را نگاه داشته‌ایم و با این والیان نماز نمی‌گزاریم، به‌جانب ما بیا که ما صد هزار نفریم، به‌راستی که میان ما ظلم و جور علنی است و به غیر دستور قرآن و سنت پیامبر در بین ما عمل می‌شود و امیدواریم که خداوند به‌وسیله شما ما را بر محور حق گرد آورد و به‌وسیله شما ظلم را از ما برطرف کند زیرا تو از یزید و پدر یزید که سرپرستی امت را غصب کرده بودند سزاوارتری؛ یزیدی که باده‌گساری می‌کند و با میمون و سازوآواز سرگرم است و دین را بازیچه خود قرار داده است! ازجمله کسانی که نامه نوشته بودند: سلیمان بن صرد، مسیب بن نجبه و شخصیت‌های دیگر کوفه بودند. (جوزیف ۲۱۵) باعرضه‌ی این گزارش بر متن‌های موجود از نامه‌های پیشین به نظر این گزارش، درهم‌کردی از متن‌های نامه‌های پیشین است که اگر برداشت‌های واقعی و سبطین جوزی در آن ورود پیدا نکرده باشد می‌توان قسمت‌هایی از این گزارش را که در متن نامه‌های گذشته دیده نشد به‌عنوان بخش‌های دیگر از این نامه‌ها به‌ویژه دو نامه‌ی ذکر شده‌ی اخیر به دلیل شباهت فرازا به حساب آورد یا این‌که این فرازاها را از نامه‌هایی دیگر که تنها به آمار آن‌ها اشاره شده و ذکر از متن آن‌ها به میان نیامده است به شمار آورد.

بررسی آمار نهایی نامه‌ها: بر اساس داده‌های منابع کهن در مورد نامه‌های ارسالی کوفیان به‌جانب امام حسین (ع) چنانچه گذشت تنها می‌توان از پنجاه و چندی نامه، نام و نشان جست. هر چند در نقل لهوف در میان گزارش از نامه‌های سری دوم و سوم از رسیدن شش صد نامه در یک روز به دست امام (ع) سخن به میان است (ابن طاووس؛ ۳۵) اما این ادعا در حالتی که مستندی بر آن ارائه نشده و در گزارش‌های منابع کهن‌تر نیز ذکر از آن به میان نیامده است. البته به دلیل جایگاه این فراز در متن گزارش که بعد از رسیدن نامه‌های سری دوم است، می‌توان احتمال داد بخشی از این نامه‌ها همان نامه‌های قبلی اشاره شده در بالا باشند ولی به هر حال بخش اعظم آن، نشانی جز نقل سید بن طاووس بر آن نیست. صاحب المصابیح نیز از آمار هشت صد نامه سخن گفته است (ابن ابراهیم، ۳۶۱) درحالی‌که این سخن نیز با داده‌های دیگر منابع کهن تأیید نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی سیر نگارش نامه‌های ارسالی به‌جانب امام حسین (ع) از سوی کوفیان و دعوت حضرتش برای آمدن به‌جانب کوفه و آگاهی از وضعیت نگارندگان این نامه‌ها حاصل سخن در

آمار نامه‌ها این است که هرچند منابع در فراوانی نامه‌ها هم‌داستان هستند اما رسیدن به عدد دوازده هزار نامه که در کتاب «اللهوف» بدان اشاره شده است، با توجه به داده‌های موجود در این منابع امری نیست که بتوان بدان دست یازید یا شواهدی بر تقویت و پذیرش آن ادعا کرد. خاصه آن که به سبب هم‌پوشانی متن گزارش لهوف با گزارش‌های دیگر منابع، اضافه داشتن دو مطلب رسیدن شش‌صد نامه در یک روز و جمع شدن نامه‌ها نزد امام (ع) تا مرز دوازده هزار نامه امری احتیاط برانگیز است. شایان ذکر است به دلیل شرایط قبیله‌ای حاکم بر آن عصر می‌توان مسئله‌ی عدم تناسب سخن از دوازده هزار نامه‌ها را با تعداد بزرگان و سران عشیره‌های هر قبیله هم مطرح ساخت؛ زیرا با توجه به فرهنگ قبیله‌ای نیازی به نامه‌نگاری تک‌تک افراد نبوده است و امضاء بزرگ یک عشیره می‌توانسته است به معنای حمایت خاندان وی به حساب آید.

البته برای داوری کردن در این مسئله با توجه به جایگاه شخصیتی سید بن طاووس و احتمال اشتباه در استنساخ‌ها، به نظر می‌رسد باید با بررسی نسخه‌ها در ابتدا از وجود این دو فقره اضافه در دیرین‌نسخ این کتاب یقین حاصل نمود آنگاه با تتبعی مضاعف مستندات آن را شناسایی نمود زیرا که احتمال دارد آمار نامه‌ها با رقم دوازده هزار کوفی بیعت‌کننده با مسلم به نقل طبری، (طبری، ۳۴۹/۵) مشترک انگاری شده باشد که این خود کاوشی دیگر را در مجالی دیگر می‌طلبد. نکته‌ی آخر آن که انتساب نگارش هجده هزار نامه از سوی کوفیان که در برخی مقالات به ابن سعد مشاهده می‌گردد (رنجبر، ۵۲) به ظاهر متشابه شدن آمار بیعت کوفیان با مسلم (ابن سعد، ۴۵۸/۱۰) با آمار نگارندگان نامه به امام حسین (ع) باشد.

منابع و مأخذ

- (۱) ابن اثیر، علی بن محمد، اسدالغابه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹.
- (۲) ابن اعثم، احمد بن علی، الفتوح، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۱.
- (۳) ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲.
- (۴) ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
- (۵) ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
- (۶) ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، المناقب، قم، علامه، ۱۳۷۹.
- (۷) ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، جهان، ۱۳۴۸.
- (۸) ابن عبد ربّه، احمد بن محمد، العقد الفرید، بی‌جا، مطبعه لجنه التالیف و الترجمة و النشر، ۱۳۶۵.
- (۹) ابن قتیبه الدینوری، الإمامه و السیاسه، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۰.
- (۱۰) ابن نما حلی، جعفر بن محمد، مثیر الأحزان، قم، مدرسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۶.
- (۱۱) احمد بن ابراهیم بن حسن، المصابیح، صنعاء، مکتبه الامام زید بن علی، ۱۴۲۳.
- (۱۲) امام، سیدجلال، بررسی تعداد جمعیت حاضر در غدیر، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۶.
- (۱۳) امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳.
- (۱۴) بحر العلوم، محمدتقی آل بحر العلوم، مقتل الحسین، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۵.
- (۱۵) بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷.
- (۱۶) جزایری، سید نعمت‌الله، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمه الأطهار، بیروت، موسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۷.
- (۱۷) حلی (علامه)، حسن بن یوسف، رجال علامه الحلی، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱.
- (۱۸) خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، قم، أنوار الهدی، ۱۴۲۳.
- (۱۹) دینوری، ابوحنیفه، الاخبار الطوال، قم، رضی، ۱۳۶۸.
- (۲۰) رنجبر، محسن، عاشورا در آینه امار و ارقام، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، قم،

- موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۴.
- (۲۱) سبطین جوزی، تذکره الخواص، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸.
- (۲۲) صادقی، مصطفی، پیامبر (ص) و یهود حجاز، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- (۲۳) طبری، محمدبن جریر، تاریخ الامم و الملوك، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷.
- (۲۴) قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الّآل، قم، دلیل ما، ۱۳۷۹.
- (۲۵) مفید، محمدبن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- (۲۶) مقرّم، عبدالرزاق، مقتل الحسین (ع)، بیروت، موسسه الخرسان للمطبوعات، ۱۴۲۶.
- (۲۷) یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، قم، اهل بیت (ع)، بی تا.